

واکاوی آیات تعجیل پیامبر ﷺ در دریافت وحی بر پایه تحلیل

درون متنی و فرامتنی

طاهره ماهروزاده^۱، نسرین شاکر حکیم^۲

چکیده

دو آیه بر تعجیل به هنگام نزول وحی در قرآن کریم دلالت دارد و يك آیه بر ضمانت حفظ آیات الهی و عدم فراموشی آیات برای پیامبر ﷺ دلالت دارد. پژوهش حاضر در صدد تبیین چگونگی تعجیل و سازگاری آن با عصمت پیامبر ﷺ و آیه ضمانت آیات الهی می‌باشد که با استفاده از منابع تفسیری فریقین و به روش توصیفی و تحلیلی به دلایل درون متنی و برون متنی این مسئله پرداخته است. نتایج نشان داد که تعجیل پیامبر ﷺ به دلیل فراموشی یا عدم فراگیری الفاظ و آیات نبوده است و نهی در آیه شریفه ارشادی بوده و تعجیل پیامبر ﷺ نیز به سبب درک عمیق حقایق روز قیامت و تحت تاثیر قرار گرفتن از آیات شریفه باعث به وجود آمدن حالت تعجیل در پیامبر ﷺ شده است.

واژگان کلیدی: مطالعه تطبیقی، آیات تعجیل، دلیل درون متنی، دلیل برون

متنی، عجله پیامبر ﷺ.

۱. مقدمه

در شماری از آیات قرآن، خداوند با آهنگی عتاب‌آمیز با پیامبر اکرم ﷺ سخن گفته و او را مورد نهی قرار داده است، خداوند متعال می‌فرماید: «عجله کردن جزو خلقت انسانی است و انسان را عجلول آفریده شده است» (اسراء: ۱۱). این اشاره به طبع اولی بشر است که مدام به سوی برطرف کردن نیازها و خواسته‌های خویش می‌شتابد. کار عجولانه کاری است که بدون تهیه مقدمات و

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه علمی - تربیتی تفسیر و علوم قرآن، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفیٰ ﷺ العالمیه، قم، ایران.

۲. دانش‌پژوه دکتری تفسیر تطبیقی از کشور هندوستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفیٰ ﷺ العالمیه، قم، ایران.

فراهم کردن شرایط، اقدام می‌شود، چنین کاری در واقع چیزی جز خسارت و تباهی به دنبال ندارد. بنابراین، مورد ذم و نکوهش روایات قرار گرفته است. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «عجله و شتاب مردم را هلاک کرده و اگر مردم دارای تأنی و خویشتن‌داری بودند، هیچ‌کس به هلاکت نمی‌رسید» (مجلسی، ۱۳۷۸، ۳۴۰/۶۸) و «از عجله بپرهیز؛ زیرا هرگاه عجله کنی نصیب و بهره خود را از دست خواهی داد» (ورام، ۱۳۶۹، ص ۲۵۵).

نهی در آیه شریفه چگونه با عصمت پیامبر ﷺ سازگار است. تضمین الهی در عدم فراموشی وحی قرآن کریم با تعجیل پیامبر در بیان وحی چگونه سازگاری دارد؟ روایات بیانگر علت تعجیل وحی، آیا قابل استناد می‌باشند؟ تفسیر صحیح آیات چیست. پژوهش‌های اندکی در این زمینه انجام گرفته است. محمد خامه‌گر و مهدی جلالی در مقاله نقد روایات تعجیل پیامبر ﷺ در تکرار آیات هنگام نزول (۱۳۹۱) به بررسی روایات اسباب نزول از جهت سندی و محتوایی می‌پردازند و به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا این روایات قابل اعتماد هستند و بر فرض صحت سند و محتوا می‌توانند سبب نزول آیات فوق باشند. ناصری و صفری (۱۳۹۸) نیز در مقاله دلالت‌یابی آیات دال بر تعجیل پیامبر ﷺ در هنگامه وحی، به چیستی و چرایی تعجیل و دلالت‌یابی تعبیر دال بر آن در آیات حاوی تعجیل پرداخته و پاسخ آن را از قرائن متصل و منفصل کلام به‌ویژه غرض سوره به‌دست آورده‌اند. وجه نوآوری پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع تفسیری با ادله درون متنی و برون متنی به بررسی تعجیل پیامبر ﷺ در آیات شریفه می‌پردازد.

۲. تبیین مفهوم عجله

عجله را خواستن انجام چیزی با سرعت و شتاب در آن دانسته‌اند. (ابن منظور، ۱۴۰۸، ۴۲۵/۱۱) راغب اصفهانی عجله را این‌گونه تعریف می‌کند: «طلب شیء پیش از وقت آن است، عجله مقتضای شهوت می‌باشد و در قرآن کریم نکوهش شده است: *الْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ*» (قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ۲۹۴/۴). عجله از مفاهیمی است که اکثر مردم در فهم آن یکسانند و از مفاهیم بدیهی و سریع‌الفهم به شمار می‌رود و لغت‌شناسان در تعریف عجله اتفاق نظر دارند. خداوند در قرآن کریم

عجله را به سه دسته از انسان‌ها نسبت داده است: اول، عجله به صورت مطلق، به انسان نسبت داده شده است. آیاتی از قبیل آیه ۱۱ سوره یونس، آیه ۳۷ سوره انبیاء و آیه ۱۱ سوره اسراء. دوم، عجله به کافران و مشرکانی که با عجله درخواست نزول عذاب الهی می‌کنند، نسبت داده شده است؛ آیاتی مثل یونس: ۵۱؛ انبیاء: ۳۷؛ نمل: ۴۶؛ حج: ۴۷؛ عنکبوت: ۵۳؛ ذاریات: ۱۴. سوم، عجله به پیامبرانی از جمله حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ و پیامبر خاتم سَلَّمَ نسبت داده شده است: در مورد حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ آیات ۸۳ و ۸۴ سوره طه واقعه میقات الهی را ترسیم می‌کند و آیات ۸۴ سوره مریم، آیه ۱۱۴ سوره طه، و آیه ۱۶ سوره قیامت در مورد عجله پیامبر عَلَيْهِ السَّلَامُ نازل شده‌اند. بنابراین، قرآن کریم عجله را یکی از ویژگی‌های بنیادی شخصیت انسانی می‌داند، کافران و مشرکان در برابر عذاب الهی شتاب دارند و این احساس انسانی در پیامبران الهی هم در بعضی حالات تجلی کرده و بروز یافته و به دو تن از پیامبران اولوالعزم الهی نسبت داده شده است. مقاله حاضر درصدد تحلیل آیاتی است که که تعجیل پیامبر عَلَيْهِ السَّلَامُ را در امر تلقی وحی مطرح نموده‌اند (ر.ک.، طه: ۱۱۴؛ ر.ک.، قیامه: ۱۶) که چگونه این تعجیل با عصمت و مقام والای حضرت سازگار است و از طرفی خداوند خود ضامن عدم فراموشی آیات از جانب پیامبر عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌باشد (ر.ک.، اعلی: ۶). از این رو عجله چه جایگاهی خواهد داشت.

۳. دیدگاه‌های مختلف در مورد عجله پیامبر عَلَيْهِ السَّلَامُ

در مورد عوامل عجله پیامبر اکرم عَلَيْهِ السَّلَامُ هنگام وحی، اقوال مختلف در تفاسیر آمده است که تفاوت چندانی میان شیعه و اهل سنت وجود ندارد. بیشتر روایات در این زمینه از منابع اهل سنت بوده و به تبع آن مفسران شیعه اعتماد کرده‌اند.

۳-۱. ترس از فراموش کردن آیات قرآن

به نظر می‌رسد که بیشتر مفسران بر این نکته توجه داشته‌اند که عجله پیامبر اکرم عَلَيْهِ السَّلَامُ هنگام وحی، از روی ترس ایشان از بخاطر نسپردن آیات و روایات است. در این زمینه روایاتی از ابن عباس: «إذا نزل عليه جبرئيل بالوحي يقرأ مخافة أن ينساه، فكان لا يفرغ جبرئيل من آخر الوحي حتى يتكلم هو

بأوله» الحسن والجبائی (دارابی، ۱۳۹۰، ۹۸/۱) مورد تمسک مفسران اهل سنت از جمله طبری (۱۴۱۲، ۱۶/۱۶۰)، زمخشری (۱۴۰۷، ۴/۶۶۱)، ابن الجوزی (۱۴۲۱، ۳/۱۷۸)، السیوطی (۱۴۰۴، ۶/۳۳۹) و مفسران شیعه مثل مرتضی (۱۴۳۱، ۳/۹)، طبرسی (۱۴۰۸، ۱۰/۷۲۰) قرار گرفته است.

۲-۳. سنگینی وحی

حسن بصری روایتی از ابن عباس نقل می‌کند که گفته است: «پیامبر اکرم ﷺ در هنگام وحی، سنگینی در خود احساس می‌کردند و این موجب شتاب در دریافت وحی می‌شد». (طبرسی، ۱۴۰۸، ۱۰/۷۲۰)

۳-۳. حب و علاقه زیاد

شیخ طوسی به نقل از سعید بن جبیر و ضحاک روایت کرده است که علت عجله پیامبر ﷺ حب و علاقه زیاد بود. (طوسی، ۱۴۰۷، ۱۰/۱۹۶؛ قطب، ۱۴۰۸، ۶/۳۷۷)

۴-۳. فرمان دادن قبل از تشریح حکم

از حسن بصری روایتی نقل شده است: «وقتی زنی شوهرش را کتک زده بود، حضرت حکم به قصاص کرد و آیه قرآن نازل شد تا از عجله در دادن فرامین الهی نهی کند و حضرت از فرمان الهی پیروی نماید». (ابن جوزی، ۱۴۲۱، ۳/۱۷۸)

۵-۳. عدم شناخت و تبیین آیات

در روایتی که طبری نقل می‌کند پیامبر ﷺ از عجله در دریافت وحی نهی شده است تا اطلاعات مربوط به آیات به صورت کامل دریافت شود، سپس پیامبر ﷺ آنها را به مردم ابلاغ کند. (طبری، ۱۴۱۲، ۱۶/۱۵۹)

۶-۳. آگاهی از محتوا (علم اجمالی)

دیدگاه علامه طباطبایی این است که پیامبر ﷺ قبل از نزول تدریجی قرآن کریم نزول اجمالی دفعی نیز داشتند و عجله حضرت به خاطر دانسته‌های قبلی خود بوده است. (طباطبایی، ۱۴۲۳، ص ۵۵)

۳-۷. درخواست عجلوانه نزول وحی

این نظر مبنی بر روایت ضحاک آمده است که حضرت برای ظاهر شدن حقانیت اسلام بر علیه یهودیت درخواست عجلوانه نزول تمامی آیات قرآن کریم نموده است، ولی خداوند ایشان را از این کار نهی کرده است. (رازی، ۱۴۲۰، ۵۱۱/۹؛ شریف مرتضی، ۱۴۳۱، ۱۰/۳). ادله کافی برای احتمالات مذکور وجود ندارد.

۴. تحلیل چرایی تعجیل پیامبر ﷺ

-تحلیل درون متنی آیات شریفه شامل بررسی معناشناسی و دلالت یابی آیات مورد نظر.
-تحلیل فرامتنی آیات شریفه شامل سیاق آیات، روایات اسباب نزول و وحدت موضوعی آیات مورد نظر.

۴-۱. تحلیل درون متنی آیات کریمه

به طور کلی دو آیه مرتبط با موضوع بحث هستند: «و پیش از آنکه وحی کردن قرآن بر تو پایان گیرد در خواندنش شتاب مکن، و بگو: پروردگارا! دانش مرا بیفزای» (طه: ۱۱۴)؛ «پیش از پایان یافتن وحی [به وسیله جبرئیل] زبانت را به حرکت در نیاور تا در خواندن آن شتاب ورزی» (ر.ک.، قیامه: ۱۶). آیات شریفه از لحاظ معناشناسی و دلالت یابی قابل بررسی می باشند.

آیه اول: در سوره طه آیه شریفه بیانگر مطالبی در دو زمینه است: نخست، نهی حضرت از تعجیل در دریافت وحی و دیگری درخواست افزایش دانش معرفت خود. در ظاهر این دو باهم ارتباطی ندارند؛ یعنی چه رابطه ای میان عجله نکردن و افزایش علم و معرفت وجود دارد؟ در پاسخ باید گفت: در واقع تکمله آیه یعنی، درخواست افزایش دانش، علت نهی متقدم است. به بیان دیگر فراز دوم آیه برای تبیین ابتدای آیه است و در نتیجه امر الهی پس از نهی، توجه مخاطب را جلب می کند و به مرحله بالاتر می کشد و گویا چنین می فرماید: بهتر از اینکه تو عجلوانه در هنگام وحی برخورد کنی، این است که تو باید مشغول افزایش و ترقی دانش خویش باشی.

نکته دیگری که قابل توجه است، عجله کردن پیامبر ﷺ در دریافت وحی است که شاید مانع توجه حضرت به علوم و معارفی که به سوی او القا می‌شود، گردد. بنابراین، قرآن کریم ایشان را به این قضیه معطوف می‌کند. واژه قرآن به اضافه وحی نکته ویژه‌ای را در برمی‌گیرد؛ یعنی این وحی قرآنی است. این امر مهم مورد هشدار قرار می‌گیرد که قرآن وحی الهی است که دستورات الهی را شامل می‌شود و این امر سبب توجه پیامبر ﷺ و امت ایشان می‌شود. واژه ربی بیانگر محوریت ربوبی در خطابات قرآنی می‌باشد به نحوی که این نهی و امر الهی در محدوده و فضای ربوبی صادر شده که قدرت وسیع ولایتناهی دارد و دریافت هرگونه رحمت و فضل از سوی اوست.

آیه دوم: میان مفسران در زمینه مخاطب آیه ۱۶ سوره قیامه و زمان این خطاب، اختلاف نظر وجود دارد. بیشتر مفسران برآنند که مخاطب آیه، پیامبر ﷺ و زمان خطاب، دنیا می‌باشد و برخی گفته‌اند که مخاطب آیه انسان کافر یا مطلق انسان است و زمان خطاب روز قیامت است (ر.ک.، نجارزادگان، ۱۳۹۱، ص ۹۰-۹۱). بررسی و ارزیابی دیدگاه‌ها در این مسئله خارج از هدف این پژوهش است (ر.ک: آخوندی، ۱۳۹۱، ص ۱۷). مسئله مهم، دریافتن معانی و مفاهیم مربوط به آیه مورد نظر و بررسی آنهاست؛ پیامبر ﷺ در آیه شریفه از حرکت دادن زبان برای عجله کردن در قرائت قرآن نهی شده است و آیات بعدی علت این نهی را روشن ساخته‌اند؛ زیرا خداوند متعال ضمانت داد که وحی و قرآن را جمع و تبیین می‌کند و حضرت باید از آن پیروی کند.

نکته نخست که مورد نظر مفسران بوده، علم پیشین پیامبر ﷺ به معارف قرآنی است. چنین استفاده می‌شود که رسول اکرم ﷺ به طور اجمال به مضمون آیات کریمه آگاهی داشته و آیه تذکر داده که تا زمانی که جبرئیل امین، آیات را برای تو قرائت ننموده، بقیه آن را قرائت نکن، هم‌چنان که براساس آیه: «وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ» (نمل: ۵) برداشت می‌شود که رسول اکرم ﷺ از طریق تلقی وجودی و موهبت تعلیمی به طور کمال و استکمال، معارف و حقایق قرآنی را یافته و آموخته است و نزول آیات کریمه به تدریج بوده است (همدانی، ۱۳۸۰، ۲۲۶/۱۷). نکته دیگری این است که حضرت به انگیزه محافظت از قرآن و حفظ حقایق آن، این تعجیل در حرکت زبان را انجام داده است و آیات بعدی مؤید این امر است. خداوند متعال برای آن ضمانت کرده

است که ایشان مشغول آن مسئله نباشد و بیانگر این است که دست قدرت الهی ضامن آن است. این نکته حاکی از شدت اهمیت دادن پیامبر ﷺ به تلقی وحی چه در هنگام آن و چه در حفظ و مراقبت از آن می‌باشد. بنابراین، خداوند متعال به روشنی بیان کرده که زبانت را حرکت مده به خاطر عجله کردن چون وظیفه حفظ و نگهداری و تبیین آن بر عهده ماست.

۴-۲. معنای تعجیل با توجه به آیات دیگر

در این سطح به آیات دیگر توجه می‌شود که در راستای این موضوع قرار گرفته‌اند؛ زیرا برای دستیابی به فهم بهتر و صحیح‌تر از آیات قرآن کریم بایستی آنها را بر یکدیگر عرضه کرد. همان‌طور که پیش از این بیان شد، عمده ادله در این مسئله سه آیه است؛ دو آیه در مورد عجله پیامبر ﷺ در دریافت وحی و آیه دیگر درباره ضمانت الهی نسبت به خواندن و عدم فراموشی پیامبر ﷺ می‌باشد. در این راستا به چند نکته اشاره می‌شود:

- رابطه آیه سوره اعلیٰ با دو آیه مورد بحث چندان روشن نیست و به بیان دیگر، میان این آیات رابطه مستقیمی وجود ندارد.

- با توجه به آیات دیگر قرآن کریم در مورد عجله کردن پیامبر ﷺ در حوادث دیگر، گونه‌های مشابهی نیست و تنها در این دو آیه حضرت، مورد نهی از عجله هنگام وحی واقع شده‌اند. - مرحوم طبرسی می‌فرماید: «آیه لاتحرک به لسانک لتعجل به» اساساً راجع به قرآن و عجله پیامبر ﷺ سخن نمی‌گوید و دلیلی هم از خود قرآن در دست نیست که نشانگر این ادعا باشد بلکه به وشنی درصدد تصویردهی از حادثه هولناک قرائت نامه اعمال در روز قیامت است (طبرسی، ۱۴۰۸، ۱۰/۶۰۱).

باتوجه به سیاق هر دو آیه روشن می‌شود که آیات، تصویرگر صحنه روز قیامت و حوادث هولناک آن روز هستند و این نکته تأثیر هیجانی زیادی در حضرت ﷺ دارد چون درک حضرت پیامبر ﷺ نسبت به معارف و حقائق وحی با دید بصیرت است و تأثیری که این حقایق بر آن

حضرت می‌گذارد با سایر مردم تفاوت بسیاری دارد. از این رو تعجیل مطرح شده در آیات به درك عمیق وقایع روز قیامت ارتباط پیدا می‌کند.

۴-۳. بررسی برون‌متنی آیات کریمه

سنت، عقل و علم تجربی قطعی از قرائن برون‌متنی به شمار می‌آیند. (اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۳۱۹) توجه به قرائن برون‌متنی، باعث ایجاد نگاه صحیح و تفسیر درست آیات می‌شود؛ زیرا بررسی عوامل برون‌متنی به تصویر منسجم و متناسب از آیات شریفه منتهی می‌گردد.

۴-۳-۱. سنت

به اتفاق اکثر مسلمانان، سنت مهمترین منبع برای معرفت دینی است حتی سنت به معنای قول و فعل و تقریر پیامبر ﷺ در نظر گروهی از شیعیان (اخباریین) واسطه فهم قرآن و تنها منبع قابل اعتماد است. از این رو نیاز قرآن به سنت بیش از نیاز سنت به قرآن است. (بهرامی، ۱۳۹۵، ص ۴۴) سنت پیامبر و اهل بیت بیانگر احکام الهی است و این مقام و منزلت به وسیله طهارت اخلاقی و قرب معنوی آن حضرت می‌باشد. استعداد و زمینه رؤیت ملکوت، باز شدن باب الهامات و اشراقات، نزول جبرئیل، هدایت ایشان به سنن ابراهیمی، تأیید و تسدید و برخورداری از تعلیمات ویژه (بهرامی، ۱۳۹۵) زمینه را برای ارتباط مستقیم با احکام قرآنی در همه ساحت‌های وجودی فراهم ساخت.

اول) صبوری پیامبر ﷺ

یکی از عوامل موفقیت رسول خدا ﷺ صبر ایشان بود. بدون تردید کسانی می‌توانند کشتی در حال غرق شدن جامعه را نجات دهند که مجهز به لنگر سنگین صبر و استقامت باشند. پیامبر اکرم ﷺ با انواع تهمت‌ها، توهین‌ها و جسارت‌ها به ساحت مقدسشان روبه‌رو بودند از جمله توهین‌هایی که به ایشان می‌شد عبارتند از: دیوانه (ر.ک.، دخان: ۱۰)، شاعر (ر.ک.، صافات: ۳۶)، ساحر (ر.ک.، ذاریات: ۵۲) و... (بخشی، ۱۳۹۴، ص ۴). پیامبر ﷺ فرمود: «صبر از ایمان مانند سر

است از تن» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۸۸). این صبوری یکی از خصلت‌های ویژه پیامبر ﷺ بوده که باعث تداوم گسترش نور رسالت اسلام بر همه جاه‌های جهان می‌گردد.

دوم) خلق عظیم

خلق عظیم، تعبیر قرآنی ویژه و منحصر به فرد درباره پیامبر ﷺ است، پیامبر ﷺ به دلیل داشتن «خُلِقَ عَظِيمًا» (قلم: ۴) الگو و نمونه همه مکارم اخلاقی برای عموم انسان‌ها در تمام دوران‌ها بوده است. آن حضرت به عنوان کامل‌ترین و بهترین الگوی راستین بشریت قرار گرفته است و قرآن کریم بیان می‌دارد: «یقیناً برای شما در [روش و رفتار] پیامبر خدا الگوی نیکویی است برای کسی که همواره به خدا و روز قیامت امید دارد و خدا را بسیار یاد می‌کند» (احزاب: ۳۳). همچنین در آیه‌ای دیگر، خداوند مؤمنان را امر کرده است که از دستورات نبی اکرم ﷺ پیروی کرده و آنها را به جای آورند و آنچه را از آن باز داشته است، رها سازند: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر: ۷). در آیه دیگری اشاره نموده است: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ و از خدا و رسول اطاعت کنید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید» (انعام: ۵۹) (آزمون واسدی، ۱۳۹۱، ص ۹۹). قرار گرفتن سنت پیامبر ﷺ در کنار اوامر الهی، دو چیز محسوب نمی‌شوند، بلکه یک نور بوده و نشانگر اهمیت آن در رساندن انسان به مدارج بالا در زندگی در حوزه علم و عمل می‌باشد. از آنچه گذشت به دست می‌آید که عجله کردن با سیره پیامبر ﷺ سازگار نیست و باید برای فهم آن توجیه معقولی یافت.

۲-۳-۴. عقل و احکام عقلی

عقل و برهان عقلی حکم می‌کند کسی که خلق عظیم دارد، هرگز از او عیب یا کار زشتی صادر نمی‌شود و صدور چنین چیزی محال است. قرائن و شواهد مؤید این حکم هست. سیره نورانی حضرت حاکمی از اوج ادب و اخلاق متعالی و رفتارهای حکیمانه است و نزول وحی بر پیامبر ﷺ نشانه اوج تعالی انسانی می‌باشد؛ زیرا وحی چنین است که وقتی روح به مرحله کمال رسید، آلودگی‌های طبیعت از دامنش پاک می‌شود و از بندهای آز و آرزو آزاد می‌گردد. آنگاه خداوند

متعال به حسن عنایت خود، به چنین روحی توجه و لطفی خاص نشان می‌دهد سپس نقش تمامی علوم را در آن روح ترسیم می‌کند. (اصغری نژاد، ۱۳۸۵، ص ۷۳) علم پیامبر ﷺ به گونه‌ای است که انسان کامل است، چون به ام‌الکتاب رسیده و از نشئه طبیعت و زمانی بالا آمده است؛ یعنی به جایی می‌رسد که زمان زیر پای اوست. بنابراین، هم از گذشته با خبر است و هم از آینده آگاه است. خداوند، آینده را نیز همچون حادثه مهم قیامت، برای آن حضرت تشریح می‌کند. بلکه در حادثه معراج، بهشت را به او نشان می‌دهد؛ همان طور که از جهنم بازدید می‌کند. خداوند در معراج، عصاره قیامت را به صورت بهشت و جهنم برای آن حضرت متجلی ساخت. بنابراین رسول اکرم (ص) نه تنها گذشته و آینده را می‌داند، بلکه همه آنها را می‌بیند. البته سیاق برخی از آیات، چنین است که کسی از جریان قیامت خبر ندارد، ولی با توجه به آیات سوره جن و سیاق آنها، به خوبی روشن می‌شود که خداوند، رسولش را - که دینش مرضی خاطر خداست - از آن آگاه می‌سازد (اصغری نژاد، ۱۳۸۵، ص ۷۶). شخصی که به این مقام نائل شود، به هیچ وجه کار خلاف یا بیهوده از او سر نمی‌زند و سزاوار است صاحب خلق عظیم نامیده می‌شود.

۴-۳-۳. روایات اسباب نزول

همه روایاتی که در این باب آمده از منابع اهل سنت نقل شده‌اند. این روایات مورد بررسی سندی و محتوایی قرار گرفته و بر ساختار سوره و سیاق آن عرضه شده‌اند. از لحاظ سند همه روایات موقوفه بوده و هیچ یک به معصوم ختم نمی‌شود، این روایات از نگاه علم الحدیث قابل اعتماد نمی‌باشند، اما از لحاظ محتوایی این روایات با مشکلات متعددی مواجهند مانند ناسازگاری با ماهیت وحی و عدم هماهنگی با شخصیت و عصمت پیامبر اکرم ﷺ و نیز عدم سازگاری با سیاق آیات و سوره (خامه‌گر و جلالی، ۱۳۹۱، ص ۴۶). بنابراین، روایات اسباب نزول نمی‌توانند شاهی باشند برای اثبات تعجیل پیامبر ﷺ در هنگام وحی باشند بلکه خود آیه نیز همین طور است چنان که مرحوم طبرسی فرمود: «آیه لاتحرک به لسانک لتعجل به» اساساً راجع به قرآن و عجله پیامبر ﷺ سخن نمی‌گوید و دلیلی هم از خود قرآن در دست نیست که نشانگر این ادعا باشد

بلکه به روشنی درصدد تصویر حادثه هولناک قرائت نامه اعمال در روز قیامت است» (طبرسی، ۱۴۰۸، ۶۰۱/۱۰) و باید به دنبال توجیه دیگری بود که با آیات و شخصیت پیامبر ﷺ سازگار باشد.

۵. دیدگاه برگزیده

از آنچه گذشت روشن شد، که تعجیل به معنای گفته شده، نمی تواند مورد قبول باشد. بنابراین، قرآن را این حقیقت را اثبات می کند که پیامبر هنگام نزول وحی در دو مورد عجله کردند. این عجله با آیه سوره اعلی ارتباطی ندارد؛ زیرا دانسته شد که عجله به خاطر اسباب ذکر شده نبوده بلکه آیه سوره اعلی حقیقت عدم فراموشی حضرت را بیان می کند و ضمانت می دهد که قرآن به خود حضرت سپرده خواهد شد. سیاق دو سوره که در آن آیات استعجال وارد شده، بیان حوادث هولناک روز قیامت است و این حالت هیجانی حضرت به خاطر درک شدیدتر وی از حقایق این روز است. از آیه سوره قیامت می توان به دست آورد که حتی در هنگام تعجیل حضرت در دریافت وحی، خداوند متعال ضامن و متعهد حفظ قرآن و نگهداری آن و بیان قرآن برای خود حضرت و تمام مردم است. آهنگ مهربانی و رحمت خداوند از این آیه شریفه به روشنی آشکار است. آیه سوره طه این حقیقت را بیان می کند که با مهربانی و رحمت حضرت از عشق به وحی و ذوب در این حقایق به مرتبه نیل دانش و معرفت بیشتر انگیزه می دهد و تشویق می کند. پس این حقیقت نمایان است که آیات شریفه بیانگر حالت روحی و نفسی پیامبر ﷺ در هنگام وحی هستند و به همین سبب برخی مفسران علت این تعجیل را حب و شوق پیامبر ﷺ می دانند. (بروجردی، ۱۳۶۶، ۲۹۴/۷) این حالت روحی به ویژه در تصویر مشاهد و حوادث روز قیامت باعث غرق شدن حضرت در این حقایق می شود و ایشان را به عجله می اندازد، حادثی که باعث پیری کودک می شود. توصیف «يَوْمًا يُجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا» (مزمّل: ۱۷) که در قرآن مجید آمده ترسیمی از حوادث و وقایع وحشتناک آن روز بزرگ است. این تعبیر، زنده ترین و گویاترین تعبیری است که می تواند حوادث وحشتناک و هولناک آن روز را نشان دهد. در حقیقت همان گونه که این حوادث بر جهان

طبیعت و بر بیابان ها و کوه ها اثر می گذارد و آنها را از بین می برد بر این انسان ضعیف نیز چنان اضطراب و وحشتی وارد می کند که او را پیر می کند.

۶. نتیجه گیری

با بررسی درون متنی و برون متنی آیات تعجیل پیامبر اکرم ﷺ هنگام وحی نتایج زیر به دست آمد:

- آیات کریمه بر نکوهش و سرزنش حضرت پیامبر ﷺ دلالت ندارند؛
- سیاق آیات و سخن از وقایع هولناک روز قیامت، اثر و ارتباط مستقیمی با مسئله تعجیل دارد؛
- سنت پیامبر اکرم ﷺ با تعجیلی که روایات ترسیم می کند، ناسازگار است؛
- رابطه مستقیمی میان آیه سوره اعلی و روایات تعجیل پیامبر ﷺ وجود ندارد؛
- روایات اسباب نزول مورد قبول واقع نشده اند و قابل استناد نیستند.
- درک عمیق حقایق روز قیامت باعث به وجود آمدن حالت تعجیل در پیامبر ﷺ می شود و حاکی از حالت نفسی و انفعال حضرت و تحت تأثیر قرار گرفتن از آیات شریفه است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۸). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: سازمان اوقاف و امور خیریه.
۱. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲). زاد المسیر. بیروت: دارالکتب العربی.
 ۲. اسدی، عبدالله، و آزمون عسکر (۱۳۹۱). نگرشی بر سیره اخلاقی پیامبر اکرم ﷺ. نشریه نقطه پرگار، دوره اول، ص ۹۷-۱۲۱.
 ۳. اصغری نژاد، محمد (۱۳۸۵). پژوهشی در علم پیامبر ﷺ. نشریه فرهنگ کوثر، شماره ۶۶، ص ۷۰-۷۸.
 ۴. آخوندی، علی اصغر (۱۳۹۱). آیات ۱۶-۱۹ سوره قیامت مخاطب شناسی و زمان خطاب. نشریه پژوهش های قرآن و حدیث، (۴۴)، ۱-۱۹.
 ۵. بخشی، علی (۱۳۹۴). اخلاق اجتماعی پیامبر اکرم ﷺ. <http://pajooh.e.ir/>.
 ۶. بروجردی، محمدابراهیم (۱۳۶۶). تفسیر جامع. تهران: کتابخانه صدر.
 ۷. بهرامی، محسن (۱۳۹۵). سنت و جایگاه آن در اسلام. نشریه پژوهش دینی، شماره ۳۲، ص ۴۱-۵۴.
 ۸. حسینی همدانی، سید محمد (۱۳۸۰). انوار درخشان در تفسیر قرآن. تهران: لطفی.
 ۹. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵). تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.
 ۱۰. خامه گر، محمد، و جلالی، مهدی (۱۳۹۱). نقد روایات تعجیل پیامبر ﷺ در تکرار آیات هنگام نزول (۱۳۹۱) نشریه پژوهش های قرآنی، ۴(۱۸)، ۳۲-۵۰.
 ۱۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷). منطق تفسیر قرآن. قم: دفتر برنامه ریزی و تدوین متون درسی.

۱۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۲). درسنامه مبانی و قواعد تفسیر. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ.
۱۳. زمخشری، محمودبن عمر (۱۴۰۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقابیل فی وجوه التأویل. بیروت: دارالکتب العربی.
۱۴. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
۱۵. شریعت‌ناصری، زهره، و صفری، علی (۱۳۹۸). دلالت‌یابی آیات دال بر تعجیل پیامبر ﷺ اکرم در هنگامه وحی با تأکید بر غرض سوره. نشریه علمی مطالعات تفسیری، ۳۷ (۱۰)، ۸۳-۱۰۰.
۱۶. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۲۳). الإعجاز و التحدی فی القرآن الکریم. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸). مجمع البیان. بیروت: دارالمعرفه.
۱۸. طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری). بیروت: دارالمعرفه.
۱۹. طوسی، محمدبن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۰. علم‌الهدی، علی‌بن‌الحسین (۱۴۳۱). نفائس التأویل. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۱. فخررازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۲. فقهی‌زاده، عبدالهادی (۱۳۷۴). پژوهشی در نظم قرآن. تهران: جهاد دانشگاهی، سازمان همیاری فناوری اطلاعات در اشتغال.
۲۳. قرشی بنابی، علی‌اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۴. قطب، سید (۱۴۰۸). فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشروق لبنان.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۸). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ﷺ. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۷. نجارزادگان، فتح‌الله (۱۳۹۱). مبانی تفسیری قرآن در دیدگاه فریقین. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۸. ورام، مسعودبن عیسی (۱۳۶۹). آداب و اخلاق در اسلام. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.